

اعراض از وطن

اعراض از وطن

مسأله ۵۵۵) اعراض از وطن (مانند تحقق وطن) امری عرفی است و به این معنا است که فرد از وطنش خارج شود و تصمیم داشته باشد برای زندگی به آنجا برنگردد.

مسأله ۵۵۶) فردی که از وطن خود (اصلی یا اتخاذی) اعراض کرده، هر گاه بخواهد آنجا برود، نمازش قصر است چه آنجا ملک داشته باشد یا نه و در این صورت عبور از آن مکان موجب قطع سفر نمی شود؛ مگر آنکه قصد ماندن ده روز را داشته باشد.

مسأله ۵۵۷) برای تحقق اعراض، قصد و نیت لازم است، بنابر این اگر بدون قصد اعراض برای مدتی مثلاً چهار پنج سال از وطن خارج شود، آنجا همچنان وطن او میباشد. البته اگر مدت خیلی طولانی؛ مانند چهل، پنجاه سال از وطنش خارج شده و در این مدت به ذهنش هم نیامده که به آنجا برگردد؛ در این صورت بعید نیست که ترک طولانی مدت در حکم اعراض باشد و نمازش در آنجا بدون قصد اقامت ده روز، قصر باشد.

مسأله ۵۵۸) کسی که از وطنش خارج شده و قصد ندارد که برنگردد، ولی میدانند یا اطمینان دارد که برای زندگی به آنجا برنخواهد گشت، بعید نیست که این علم و اطمینان هم در حکم اعراض باشد، بنابراین در آنجا نمازش قصر است.

مسأله ۵۵۹) خانمی که به تبع شوهر در مکانی غیر از وطن اصلی خودش زندگی می کند و قصد اعراض از وطنش نکرده است، چنانچه علم یا اطمینان ندارد که تا آخر عمر به وطن برنمی گردد بلکه احتمال می دهد؛ هر چند بر اثر حادثه ای مانند متارکه یا مرگ همسر به آنجا برگردد، نمازش در آنجا تمام است، اما اگر تصمیم دارد یا میدانند که حتی با از دنیا رفتن شوهر و یا متارکه هم به وطن برنمیگردد، در این صورت اعراض محقق شده و آنجا وطن او محسوب نمی شود.

۱. برای کسی که از وطن خود خارج شده، سه حالت وجود دارد:

۱. چنانچه قصد دارد یا میدانند که به وطنش برمیگردد؛ وطنیت باقی است.

۲. چنانچه قصد دارد یا میدانند که برنمیگردد؛ اعراض محقق شده است.

۳. چنانچه نسبت به برگشتن یا برگشتن تصمیمی نگرفته و علمی هم در این مورد ندارد؛ وطنیت همچنان باقی است؛ مگر آنکه مدت زیادی؛ مانند چهل پنجاه سال گذشته باشد و در این مدت به ذهنش هم نیامده که به آنجا برگردد.